

بانک جامع اطلاعاتی

# صهیونیسم

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود... امام خمینی (ره)

**Z I O N I S M . B L O G . I R**

## سازمان جهانی صهیونیستی و اسرائیل

### خبرگزاری فارس

#### مقدمه

با تاسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، هدف اصلی صهیونیسم سیاسی، آن گونه که در برنامه ی پازل (۱۸۹۷) و برنامه ی بالتیمور (۱۹۴۲) مشخص شده بود، تحقق یافت. اما توهّم اولیه صهیونیست ها مبنی بر مهاجرت تمامی یا دست کم اغلب یهودیان دنیا به فلسطین، در عمل ثابت شد که بی اساس است، زیرا بسیاری از یهودیان به چنین مهاجرتی رغبت نداشتند. در حالی که گروهی از صهیونیست ها مانند بن گوریون عقیده داشتند که با تشکیل اسرائیل، ادامه ی کار سازمان جهانی صهیونیستی توجیه پذیر نبوده و تکمیل طرح صهیونیستی برعهده ی اسرائیل و با همکاری و همیاری یهودیان دیگر کشورهاست، گروهی دیگر بر این عقیده بودند که آن چه در فلسطین یا غیر فلسطین تحقق یافته، تنها مرحله ی اول است و سازمان باید فعالیت های خود را به گونه هایی مختلف به منظور دست یابی به تمامی هدف های تعیین شده با همکاری تنگاتنگ اسرائیل استمرار بخشد. گروه دوم فائق آمد و سازمان به کارش ادامه داد اما با شرایطی دیگر و در زمینه ی مشخص و با موافقت حکومت اسرائیل که صاحب اختیار تعیین ماهیت روابط فیما بین گردیده است. تلاش های حکومت اسرائیل برای تحمیل اراده ی خود بر سازمان هرچند مقرون به موفقیت بوده لیکن این تلاش ها با مخالفت هایی در درون سازمان مواجه بوده است. در اوت ۱۹۴۸ کمیته ی سازمان بر ضرورت تداوم فعالیت های صهیونیستی تاکید کرد و مقرر داشت که سازمان در زمینه ی تشویق مهاجرت به اسرائیل و کمک به پذیرش مهاجرین تازه وارد، پیشبرد عملیات شهرک سازی در فلسطین، و رشد اقتصاد اسرائیل با استفاده از منابع مالی خارجی، نشر ایده ی صهیونیسم و فرهنگ یهودی در میان اقلیت های یهودی در سراسر جهان و تبلیغ به نفع اسرائیل، در صحنه ی بین المللی فعالیت نماید.

زمانی که حکومت اسرائیل کار خود را در به اصطلاح دولتی آغاز کرد که خود این دولت ساخته ی سازمان صهیونیستی است، مساله ی نقش این سازمان پس از تشکیل دولت به میان آمد و هرچه از عمر این حکومت و تصدی وظایف محوله اش زمان بیش تری گذشت، رسیدگی به این مساله اهمیت بیشتری یافت و از سال ۱۹۴۹ در این خصوص میان بن گوریون و آباهیلل سیلفر برجسته ترین رهبران صهیونیستی در آمریکا، اختلاف آشکاری پدید آمد. اسرائیل هرگونه قیمومت سازمان را به شدت رد کرد و سازمان نیز قیمومت اسرائیل را - هرچند بانندکی مسامحه - نپذیرفت، زیرا اعضای سازمان می توانستند از ادامه ی فعالیت سرباز زنند. کشمکش میان بن گوریون اعلام کرد که ماموریت سازمان پایان پذیرفته و باید با اتحادیه هایی یهودی در خارج، به منظور پشتیبانی از اسرائیل جایگزین شود. ولی او نتوانست حمایت لازم را به دست آورد زیرا اول آن که اسرائیل به دلیل واقعیات موجود نیازمند کمک های حیاتی یهودی ها در سراسر عالم بود و یهودی ها رهبری سازمان صهیونیستی را نپذیرفته بودند و دوم آن که طرح صهیونیستی هنوز ساختار درونی خود را تکمیل نکرده بود.

بن گوریون این نکته را عنوان کرده بود که پشتیبانی مالی از اسرائیل، ادامه کار سازمان صهیونیستی را ایجاب یا توجیه نمی کند به ویژه که کمک کنندگان اصلی به این دولت، یهودی های غیرصهیونیستی هستند که در اصل ((دوستان اسرائیل)) بوده و با آن روابط معنوی و مذهبی دارند. لزوم مهاجرت صهیونیست ها به اسرائیل، صرف نظر از این که در چه شرایطی زندگی می کنند به شدت مورد اختلاف

بود. در سال ۱۹۵۰ ((قانون بازگشت)) که براساس آن یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت می کنند خود به خود به تابعیت این دولت در می آیند، به تصویب رسید و با تصویب آن این فرضیه تبلور یافت که شرط وابستگی به جنبش صهیونیستی، مهاجرت به اسرائیل است ولی به هر حال این قضیه در حدود همین فرضیه ماند و مساله همواره سبب بحث فراوان و گاهی تند بوده است.

در بیشتر مدت این کشمکش ها و اختلاف نظرها، ریاست سازمان صهیونیستی برعهده ی ناخوم گلدمن بود. گلدمن به تداوم فعالیت های صهیونیستی اهمیت بسیار زیادی قائل بود و آن را برای حفظ یهودیت و جلوگیری از ادغام یهود در دنیای آزاد لازم می دانست. او با تاکید بر یهود دیاسپورا، با بن گوریون رو در رو شد و اختلاف این دو بالا گرفت. در نتیجه گلدمن ناگزیر به استعفا از ریاست سازمان گردید. اما بن گوریون نیز در هر دو مورد، یعنی ادامه ی فعالیت سازمان و نقش آن و لزوم مهاجرت صهیونیست ها به اسرائیل، به اهداف مورد نظرش نرسید و سرانجام صرفنظر کرد. سازمان قدم به قدم عقب نشینی کرد و به صورت ابزاری در دست اسرائیل در آمد و وضعیت به گونه ای شد که اسرائیل سازمان را برای نیل به مقاصد خود به کار گرفت و متقابلاً صهیونیست های مقیم خارج بدون آن که ناگزیر به تبعیت بی چون چرا از خواسته های دیکته شده ی اسرائیل باشند به اصطلاح فراغت بال و آرامش خاطر احساس نمایند. سازمان و آژانس در داخل و خارج اسرائیل در زمینه های مهاجرت، تامین اعتبارات، فرهنگ، حمایت سیاسی، تبلیغات و غیره، همچنان فعالیت می کنند ولی بحث تعریف ((صهیونیزم)) پس از تشکیل اسرائیل همواره از موضوعات بحث برانگیز بوده و هنوز نیز لاینحل باقی مانده است.

## کنگره ی بیست و سوم

این کنگره که برای نخستین بار پس از تشکیل اسرائیل منعقد شد در شهر بیت المقدس در روزهای ۱۴ تا ۳۰ اوت ۱۹۵۱ با حضور ۴۴۶ نماینده برپا گردید و کنگره های بعدی نیز در این شهر بزرگ برگزار شد. نظر به شرایط جدید، برنامه ی بیت المقدس که در این کنگره تهیه شد جایگزین برنامه ی پازل گردید. در برنامه ی بیت المقدس آمده بود:

کنگره اعلام می دارد که برنامه ی عملی سازمان جهانی صهیونیستی و دستگاه های تابعه اش جهت تحقق اهداف تاریخ سازمان در سرزمین اسرائیل مستلزم نهایت همکاری و هماهنگی با دولت اسرائیل در چارچوب قوانین کشور می باشد... و کنگره معتقد است که حکومت اسرائیل باید سازمان مذکور را به عنوان نماینده ملت یهود در کلیه مسایل مربوط به مشارکت سازمان یافته یهودیان عالم در ساخت و پیشرفت کشور و جذب سریع مهاجران جدید به رسمیت بشناسد.

کنست اسرائیل در ۲۴ نوامبر ۱۹۵۲ قانون مربوط به وضعیت سازمان جهانی و (آژانس یهود فلسطین) را به تصویب رساند. در ماده ۴ این قانون (که به گونه ای شبیه ماده ۴ سند قیمومت تنظیم شد) آمده بود: حکومت اسرائیل، سازمان جهانی صهیونیستی را آژانس صلاحیتداری می شناسد که برای پیشرفت و آبادانی کشور، جذب مراجعت کنندگان از تبعیدگاه ها و هماهنگی فعالیت های موسسات و سازمان های یهودی که در این زمینه ها در داخل اسرائیل مشغول به کارند، فعالیت می کند. در ماده ۳ قید شده بود که: سازمان جهانی صهیونیستی که آژانس یهود نیز می باشد، مانند گذشته، خود را وقف تسریع و گسترش مهاجرت به اسرائیل و اجرای طرح های جذب و اسکان مهاجرین در داخل دولت می کند. مفاد و عناصر اصلی این قانون به همراه جزئیات توضیح دهنده دیگری در ((منشور)) منعقد شده ی بین حکومت اسرائیل و کمیته ی اجرایی سازمان صهیونیستی (و آژانس یهود) در سال ۱۹۵۴ گنجانده شد. با این حال ساماندهی مناسبات درهم پیچیده ی طرفین به طول انجامید و کشمکش های فکری و سازمانی حادی که دیوید بن گوریون و ناخوم گلدمن دو قطب آن بودند، بروز کرد.

در کنگره ی بیست و سوم (و بعدها در کنگره ی بیست و هفتم) اهداف سازمان صهیونیستی به ترتیب زیر مشخص شد :  
یکپارچه ساختن ملت یهود و متمرکز نمودن حیات این ملت بر محوریت دولت اسرائیل ، جمع آوری ملت یهود در میهن تاریخی خود -  
سرزمین اسرائیل - از طریق مهاجرت ؛ تحکیم و تثبیت پایه های دولت یهودی اسرائیل ؛ پیشبرد آموزش های یهودی و عبری ؛ تقویت  
ارزش های معنوی و فرهنگی یهودی ؛ و دفاع از حقوق یهودی ها در هر کجا که ساکن هستند .  
و بر این اساس ، اسرائیل سازمان را به رسمیت شناخت .

در این کنگره ، ائتلافی با مشارکت تمامی فراکسیون های حزبی به استثنای تجدیدنظرطلبان ((حیروت)) شکل گرفت . همچنین دو نفر،  
یکی ناخوم گلدمن در نیویورک و دیگری بیرل لوکر در بیت المقدس ، برای ریاست کمیته ی اجرایی برگزیده شدند، ولی برای ریاست  
سازمان کسی انتخاب نشد .

### کنگره ی بیست و چهارم

این کنگره با حضور ۴۹۶ نماینده در روزهای ۲۴ آوریل تا ۷ مه ۱۹۵۶ در بیت المقدس منعقد شد. برگزاری این کنگره در شرایط آمادگی  
اسرائیل (به همراه انگلیس و فرانسه) برای تجاوز سه گانه به مصر (در سال ۱۹۵۶) به دنبال عقد معامله ی تسلیحاتی میان این کشور و  
چکسلواکی ، صورت گرفت . در این کنگره درباره ی بعضی مسایل سازمانی ، وضعیت قانونی آژانس یهود در اسرائیل ، مهاجرت و جذب  
مهاجرین جدید و گسترش عملیات اسکان ، روابط اسرائیل و یهود در دیگر کشورها و راه های پشتیبانی از سیاست اسرائیل در صحنه  
بین المللی گفت و گو و تبادل نظر شد. به نظر می رسید سازمان به تدریج خود را وقف خدمت به اهداف اسرائیل نموده است . در کنگره  
ی بیست و چهارم مقرر شد که جمع آوری کمک ها صرفا توسط صندوق تاسیسی و ندای متحد اسرائیل انجام پذیرد. ناخوم گلدمن به  
ریاست سازمان (پستی که از سال ۱۹۴۶ بلاتصدی باقی مانده بود) انتخاب شد و بدین ترتیب هم رییس سازمان جهانی صهیونیستی و  
هم رییس کنگره ی جهانی یهودی گردید .

### کنگره ی بیست و پنجم

این کنگره از ۲۷ دسامبر ۱۹۶۰ تا ۱۱ ژانویه ۱۹۶۱ در بیت المقدس و با حضور ۵۲۱ نماینده برگزار شد. در این کنگره به دنبال انتقاد شدید  
بن گوریون از سازمان ، بحث در مورد روابط سازمان و حکومت اسرائیل بالا گرفت و در خصوص موضوعات مهاجرت و جذب مهاجرین  
جدید، فرهنگ یهودی و آموزش زبان عبری (که در شمار موضوعات ثابت دستور کار تمامی کنگره ها گردیده است) بحث و تبادل نظر  
شد. در کنگره ی بیست و پنجم قانون اساسی جدید سازمان که حاوی جزییاتی بیش تر و اصلاحاتی بنیادی بود، به تصویب رسید و  
جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۲۱ سازمان گردید. در این قانون اساسی نام (سازمان جهانی صهیونیستی) به صورت نهایی تثبیت شد و  
پرداخت شیکل به عنوان نماد عضویت و حق رای گیری ابقا گردید؛ با این تفاوت که پرداخت شیکل از طریق هیئت های گروهی و  
اتحادیه های بین المللی صورت گیرد و این به معنی پایان عضویت شخصی در سازمان بود. اصلاحات دراز مدتی به ویژه در زمینه ی  
استقلال نسبی و اداره ی غیرمتمرکز اتحادیه های منطقه ای انجام و مقرر شد که کنگره تقریبا هر چهار سال یک بار برگزار شود. گلدمن  
مجددا به ریاست سازمان و کمیته ی اجرایی برگزیده شد. پس از کنگره در پی استعفای بیرل لوکل ، موشه شاریت برای ریاست کمیته ی  
اجرایی در بیت المقدس انتخاب گردید .

### کنگره ی بیست و ششم

این کنگره با حضور ۵۲۹ نماینده از ۳۰ دسامبر ۱۹۶۴ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۶۵ در شهر بیت المقدس برپا شد. موضوع روابط سازمان با اسرائیل یک بار دیگر بحث برانگیز بود. دوباره گلدمن به ریاست سازمان و موشه شاریت به ریاست کمیته ی اجرایی در بیت المقدس انتخاب شدند اما چند ماه بعد شاریت درگذشت و به جای او لوئیس (اریه) پینکوس (۱۹۷۳ - ۱۹۱۲) برگزیده شد .

### کنگره ی بیست و هفتم

این کنگره از ۹ تا ۱۹ جولای ۱۹۶۸ در بیت المقدس و با مشارکت ۵۲۹ نماینده برگزار گردید و از آن جا که نخستین کنگره ای بود که پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ (جنگ ۶ روزه) تشکیل می شد، شرکت کنندگان سعی کردند با بررسی نتایج این جنگ، تصمیمات مقتضی را بگیرند. از این رو مذاکرات عمدتاً حول محور مهاجرت و سکونت در مناطق اشغالی بود و به همین دلیل با تصمیم حکومت اسرائیل مبنی بر ایجاد وزارت خانه، مهاجرت و جذب موافقت شد. در این کنگره که نمایندگان جوانان، دانش آموزان و دانشجویان و سازمان های دست اندر کار مهاجرت برای اولین بار شرکت کرده بودند، بر اهمیت همکاری بین اسرائیل و سازمان تاکید و برنامه های سازمان که در جریان کنگره ی بیست و سوم (۱۹۵۱) تهیه شده بود، به جز برخی اصلاحات بسیار جزیی، بازنویسی گردید. گلدمن به عنوان اعتراض به سیاست اسرائیل در قبال سازمان، از ریاست آن کناره گیری کرد و جایگزینی برای او تعیین نشد و لوئیس پینکوس یک بار دیگر به ریاست کمیته ی اجرایی انتخاب شد .

### کنگره ی بیست و هشتم

در شهر بیت المقدس از ۱۸ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۷۲ با حضور ۵۵۹ نماینده تشکیل شد. موضوعات ((یهودی کیست)) و ((فرمان برداری دوگانه)) همچنین ارتباط یهودیان جهان با اسرائیل و شهرک سازی در سرزمین های اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷، در این کنگره مطرح گردید و در مورد مهاجرت یهودیان اتحاد شوروی (سابق) مفصل صحبت شد. برای ریاست کمیته ی اجرایی که شمار اعضایش به بیست تن می رسید (دوازده تن در بیت المقدس انتخاب شد و مقرر گردید که اعضا و نواب اعضای شورای عمومی به ترتیب به ۱۱۰ و ۲۲۰ تن افزایش داده شد. برای ریاست سازمان کسی انتخاب نشد زیرا ادعا شده بود که کسی واجد شرایط این منصب نیست. در سال 1973 پینکوس درگذشت و جای او راپنحاس سایبر (۱۹۷۵ - ۱۹۰۹) گرفت و با مرگ سایبر، ژوزف آلمانی (۱۹۹۱ - ۱۹۱۰) ریاست کمیته ی اجرایی را از سال ۱۹۷۶ تا 1978 عهده دار شد .

### کنگره ی بیست و نهم

این کنگره از ۲۰ فوریه تا اول مارس ۱۹۷۸ با حضور ۵۶۱ نماینده در بیت المقدس منعقد شد. این کنگره پس از به قدرت رسیدن حزب لیکود در ۱۹۷۷ و سفر انورسادات به بیت المقدس برگزار گردید و به همین دلیل این دو رویداد در تصمیمات کنگره و ترکیب هیئت های

مختلف منعکس شد. ((طرح نوسازی)) با هدف بازسازی محله های فقیرنشین در اسرائیل ، برخورداری جریان های مذهبی وابسته به سازمان صهیونیستی از حقوقی یکسان و دعوت از یهودیان شوروی (سابق) برای سرعت بخشیدن به روند مهاجرت ، در این کنگره به تصویب رسید. آریه دولتزین (۱۹۸۹- 1913) به ریاست کمیته ی اجرایی برگزیده شد .

### کنگره ی سی ام

این کنگره از ۷ تا ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲ در بیت المقدس و با حضور ۵۷۰ نماینده (که تنها اندکی از آنان طبق مقررات انتخاب شده بودند) برگزار شد. دولتزین در نطق افتتاحیه اش به موضوع ((چالش های صهیونیسم در ملت و دولت)) پرداخت و بر لزوم اصلاح تشکیلاتی و ایدئولوژیک سازمان تاکید کرد. به علاوه موضوعات همیشگی ، کنگره به بحث درباره ((طرح قیساریه)) با هدف صهیونیستی کردن آژانس یهود و ((طرح هیرتسلیا)) به منظور تجدید تشکیلات سازمان و مشخص کردن مبانی ایدئولوژیک آن پرداخت . در خصوص اسکان یهود در مناطق اشغالی دودستگی بروز کرد و مجددا دولتزین رییس کمیته ی اجرایی گردید .

### کنگره ی سی و یکم

این کنگره با حضور ۶۵۶ نماینده از ۶ تا ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷ در بیت المقدس تشکیل شد. کنگره ی سی و یکم با وجود مشارکت بیشترین تعداد نماینده ، از زمان کنگره ی پنجم (۱۹۰۱) کوتاه ترین کنگره به شماررفته و تصمیمات نسبتا اندکی در آن اتخاذ شد. رابطه ی سازمان صهیونیستی در خارج با اسرائیل یکی از اهم موضوعات مندرج در دستور کار این کنگره بود ولی در مورد موضوعات تشکیلاتی و ایدئولوژیک که در کنگره ی پیشین نیز مطرح شده بود، تصمیم گیری نشد و این موضوع به شورای عمومی احاله شد. در خصوص انتخاب رییس سازمان توافقی حاصل نشد و سمحا دینتز به ریاست کمیته ی اجرایی انتخاب گردید .

### کنگره ی سی و دوم

این کنگره با مشارکت ۷۲۱ نماینده از ۲۷ کشور در روزهای ۲۷ تا ۳۰ جولای ۱۹۹۲ در بیت المقدس تشکیل شد. دارندگان حق رای تنها ۵۸۵ نفر به ترتیب عبارت بودند از: ۲۰۰ تن از اسرائیل ، ۱۶۲ تن از ایالات متحده ، ۲۰۸ تن از سایر کشورها و 15 تن به نمایندگی از ((ویتسو)) و دیگر سازمان های یهودی بین المللی . دانش آموزان و دانشجویان با ۲۰ نماینده برای اولین بار عضویت کامل کنگره را یافتند و همین طور سازمان بنی بریت (فرزندان عهد) که در کنگره های قبلی به عضویت سازمان جهانی صهیونیستی درآمده بود، ۲۰ نماینده در این کنگره داشت و ۲۷ نماینده ی کشورهای اروپای شرقی صرفا به عنوان ناظر حضور داشتند .

مانند همیشه موضوعات متعددی در خصوص اوضاع یهودیان جهان ، صهیونیسم و اسرائیل مطرح و درباره آن بحث و گفت و گو به عمل آمد ؛ از جمله : یهود ستیزی ، تحولات جمعیتی یهود، مهاجرت و جذب مهاجرین جدید، فرهنگ یهودی و آموزش زبان عبری ، روابط اسرائیل و یهود دیاسپورا و برخی موضوعات مربوط به تشکیلات سازمان جهانی صهیونیستی . در این کنگره در ۱۶۰ مورد با هدف افزایش فعالیت های صهیونیستی در زمینه های گوناگون تصمیم گیری شد و در خصوص بعضی مسایل مانند پذیرش عضویت اتحادیه صهیونیست های روسیه مذاکرات به سرانجامی نرسید و به شورای عمومی موکول گشت . اما عضویت اتحادیه صهیونیست های

مجارستان پذیرفته شد. در مورد شهرک سازی در اراضی اشغالی جرو بحث شدیدی صورت گرفت و نهایتاً تصمیم به تأکید بر سیاست شهرک سازی توسط حکومت حزب کارگر گرفته شد. در این کنگره باز هم برای ریاست سازمان انتخاباتی به عمل نیامد و سمحا دینتر مجدداً به ریاست کمیته ی اجرایی برگزیده شد. اما به دنبال اتهام به فساد در سال ۱۹۹۴ ناگزیر به استعفا شد و به جای وی ابراهام بورگ عضو کنیست از حزب کارگر انتخاب گردید .

بن گوریون سازمان جهانی صهیونیستی را نردبانی توصیف کرد که در مرحله تحقق طرح صهیونیستی لازم بود اما پس از تشکیل اسرائیل دیگر نیازی به وجود آن نبود. در حقیقت بن گوریون پیش از سال 1937 موضع خود را در قبال سازمان (در خارج از اسرائیل) به طور نهایی مشخص و اعلام کرده بود که پس از تشکیل اسرائیل، سازمان از بین رفته و دولت یهودی جای آن را خواهد گرفت و یهودیان جهان بدون واسطه، دور آن را خواهند گرفت. معروف است بن گوریون که از دهه سی ام تبدیل به یکی از گردانندگان اصلی فعالیت های صهیونیستی شده بود، به صهیونیست های خارج با دیده تحقیر می نگریست و معتقد بود که مهاجرت و سکونت در فلسطین جوهر صهیونیسم می باشد. وی از ابتدای جنگ جهانی دوم از فرصت واگذاری اختیارات وسیعی از سوی کنگره ی بیست و یکم به کمیته ی اجرایی مستقر در فلسطین (که خود او رییس آن بود) استفاده کرد و سلطه ی همه جانبه مهاجران یهودی را به رهبری او بر سازمان تحمیل نمود. در این دوره بن گوریون کانون توجه صهیونیسم را از لندن به واشنگتن انتقال داد و برگزاری کنگره ی بالتیمور در آمریکا نشانه این امر بود. پس از جنگ و با تلاشی که بن گوریون در جریان کنگره ی بیست و دوم (1946) انجام داد، وایزمن به ریاست سازمان برگزیده شد و تمامی اختیارات در مرحله ی رقابت برای تشکیل اسرائیل (۱۹۴۸ - ۱۹۴۶) به کمیته ی اجرایی واگذار گردید . به محض اعلام تشکیل اسرائیل، بن گوریون به سرعت وارد عمل شد و سازمان را از اختیارات اصلی اش شامل دفاع، امور داخلی، امور خارجی، دارایی، ارتباطات، بازرگانی، صنعت و غیره خلع ید کرد و این اختیارات را به کابینه ی موقتش که هیچ یک از صهیونیست های مقیم خارج در آن جای نداشتند، واگذار نمود. سازمان از خود واکنش نشان داد و خواستار مرزبندی بین خود و حکومت اسرائیل شد و تلاش کرد با حفظ بعضی سنگرهایش، به نوعی برابری با این حکومت دست یابد اما موفق نشد. ناخوم گلدمن در راس این تلاش های سازمان بود و پیشنهاد کرده بود که : سازمان به عنوان یگانه نماینده ی صلاحیتدار ملت یهود (مقیم خارج) در کارهایی که این ملت در داخل اسرائیل انجام می دهند، شناخته شود، در مقابل بن گوریون با ارایه طرحی به کنیست، خواهان محدود نمودن نقش سازمان به نمایندگی یهودی های مقیم خارج در امور مربوط به کمک اسرائیل شد. اما این طرح پس گرفته شد و ((قانون وضعیت سازمان صهیونیستی / آژانس یهود)) مصوب سال ۱۹۵۲ و سپس قانون معروف به ((منشور)) مصوب سال ۱۹۵۴ که در حقیقت سازمان را در مسیر تبعیت تدریجی از اراده ی حکومت اسرائیل قرار دادند، جایگزین طرح مزبور شدند .

بن گوریون نتوانست به کلیه اهدافش دست یابد و ناگزیر تن به عقب نشینی تاکتیکی داد، که این عقب نشینی ناشی از تغییر نگرش او نسبت به سازمان و نقش آن نبود بلکه به دلایل موضوعی بود که اهم آنها عبارت بودند از این که : با تشکیل اسرائیل تنها مرحله ی نخست طرح صهیونیستی تحقق یافت و بسیاری به اهمیت استمرار کار سازمان به منظور تحکیم پایه های اسرائیل معتقد بودند؛ مخالفت اصلی با بن گوریون عمدتاً از جانب صهیونیست های آمریکا به مثابه ی ((کشور مادر)) برای اسرائیل درآمده بود و به منظور حفظ این رابطه استثنایی، لازم بود که حکومت اسرائیل به تفاهمی با سازمان دست یابد که علاوه بر تأمین منافع اسرائیل، همه اطراف را راضی کند. از این رو بن گوریون در مقابل خدمت مالی و سیاسی بدون قید و شرط سازمان، نقش این سازمان را در اسرائیل به طور مشروط پذیرفت و بدین گونه سازمان را به ابزاری در دست حکومت اسرائیل تبدیل کرد. در قانون سازمان / آژانس، بن گوریون اصرار داشت قید شود که اسرائیل تنها حاصل تلاش های سازمان صهیونیستی نیست بلکه ساخته ی همه ی ملت یهود است و اسرائیل و سازمان هر دو

وظیفه دارند با فعالیت در میان یهودیان ، آنان را ترغیب به مهاجرت و ارایه کمک های مادی و معنوی به اسرائیل کنند. و بدین ترتیب سازمان به صورت ابزار یا هیئتی تفویض یافته از جانب حکومت اسرائیل درآمده و به طور قانونی یا عملی تابع اراده ی این حکومت گشته و این سازمان در درون تشکیلات تابعه اش نیز با اعتباری که اسرائیل دارد، فعالیت می کند .

به دلایل متعددی از جمله : اقلیت بزرگ یهودی در ایالات متحده و منابع عظیم مالی و تاثیر سیاسی اش (که بیش تر از اقامت در ((کشور مادر)) ناشی می شود و نه فعالیت این اقلیت ) و نقش برجسته ای که این اقلیت در تداوم کار سازمان صهیونیستی داشته ؛ اتحادیه صهیونیستی آمریکا دومین جایگاه را در سازمان (بعد از اسرائیل ) دارد و بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۶۰ سازمان ، ۲۹ اعضای کنگره ی صهیونیستی از این اتحادیه می باشند در حالی که احزاب اسرائیلی ۳۸

و اتحادیه های صهیونیستی سایر کشورها (که تعداد آنها به حدود ۵۰ اتحادیه می رسد) ۳۳ اعضا را تشکیل می دهند. اتحادیه صهیونیستی آمریکا به پرچمدار و کانون اصلی فعالیت های صهیونیستی در خارج از اسرائیل تبدیل شده است زیرا از طرفی فعالیت سازمان در داخل اسرائیل تابع قوانین و مقررات اسرائیل است و از طرف دیگر میزان فعالیت سازمان در دیگر کشورها در مقایسه با آمریکا چندان قابل ذکر نمی باشد. نکته ای که باید یادآوری شود این است که فعالیت های صهیونیستی قبل و بعد از تاسیس اسرائیل تفاوت زیادی کرده است ، زیرا آن گونه که اعلام می شود عضویت در اتحادیه های منطقه ای صهیونیستی دیگر شرطی برای عضویت در سازمان جهانی صهیونیستی نیست و این شرط منحصر به همدردی با اسرائیل ، ارایه انواع کمک های مالی و تبلیغ به نفع اسرائیل و تایید سیاسی از آن در محافل بین المللی است .

اتحادیه صهیونیستی آمریکا چتری است که سازمان های صهیونیستی مستقر در آمریکا در لوای آن فعالیت می کنند. این اتحادیه در سال ۱۹۷۰ با هدف هماهنگ ساختن سازمان های مذکور که تعداد آن ها شانزده سازمان (به علاوه تشکیلات جوانان وابسته به این سازمان ها) می باشد،(۲) پایه گذاری شد و در سال ۱۹۷۵ ((اتحادیه جهانی یهودیان اصلاح طلب)) به این اتحادیه پیوست . همچنین چند جمعیت و تشکل یهودی دیگری که صهیونیست بودن خود را آشکار نمی کنند، فعالیت هایشان را با این اتحادیه هماهنگ می نمایند از جمله ((کنگره ی یهودی آمریکا))، ((کمیته ی یهودی آمریکا)) و سازمان ((بنی بریت )) که در سال ۱۸۴۳ به عنوان یک جمعیت خیریه به منظور کمک به یهود و مقابله با تبعیض بر ضد آنان (که آن را یهودی ستیزی می نامید، اصطلاحی که امروزه به تمامی مخالفت ها با صهیونیسم اطلاق می گردد) تاسیس شد. اضافه بر انواع صندوق های جمع آوری کمک ها به اسرائیل ، کمیته ی امور عمومی آمریکا و اسرائیل معروف به ((لابی صهیونیستی )) که به صورت یک گروه فشار در آمریکا و در سطح هیئت حاکمه در واشنگتن (در دولت و کنگره ) فعالیت می کند، وجود دارد. این کمیته می کوشد مرکز قدرت یهودی را برای فعالیت در صحنه ی سیاسی به نفع اسرائیل بسیج کند. انجمن دوستی آمریکا و اسرائیل نیز در این زمینه فعالیت می کند.